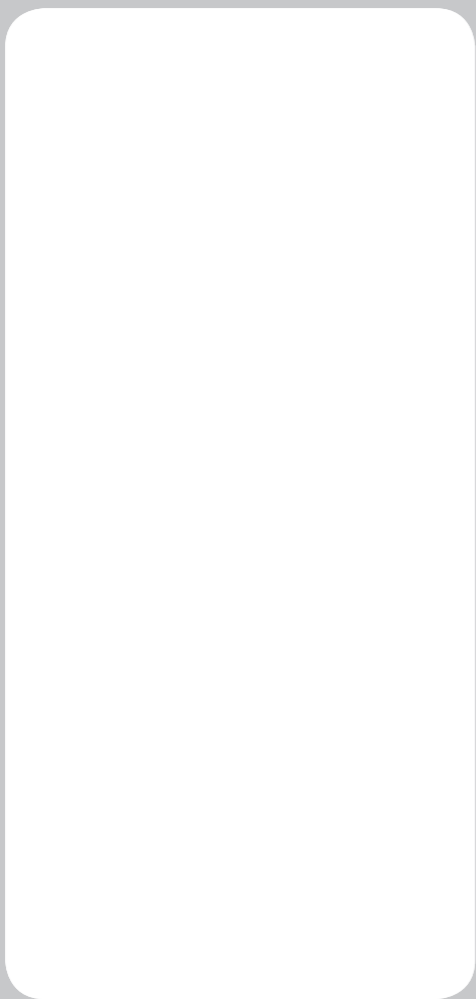


۱۰۰۰



اربعین در گذر زمان

تهیه و تدوین:
یعقوب توکلی



اربعین در گذر زمان

تهیه و تدوین: یعقوب توکلی

طراح جلد: محمدمبین محملو

تنظیم و صفحه‌آرایی: محمدجواد شمس

۱۳۹۵ / ۱۴۳۸

درآمد

مراسم باشکوه اربعین حسینی در کربلای معلی با هوشمندی و رهبری داهیانۀ ائمه اطهار به یک سنت جاوید و تراث ماندگار در صیانت و انتقال پیام نهضت بزرگ عاشورا بدل شده است.

این تراث ارزشمند با مجاهدت علمای بزرگی چون فقیه بزرگ و نواندیش آیت الله العظمی شیخ انصاری رحمته و مرحوم عالم بزرگوار محدث نوری رحمته و بزرگاندیشان فقاہت و معارف اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک سرمایہ

ارزشمند اجتماعی و عامل هویت‌بخشی و انسجام و اقتدار پیروان اهل بیت علیهم‌السلام به ودیعت به ما رسیده است که به یمن انفاس قدسی حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام در اوضاع پیچیده و فتنه‌آلود جهان اسلام به عنوان کانون تجلی اسلام ناب درخشید.

در زمانی که عده‌ای از جهّال با برداشت‌ها و رفتارهای ناب‌خردانه، چهره اسلام عزیز را غبارآلود و مشوش نموده‌اند و اسلام را سراسر دین ستیز و جنگ و خشونت معرفی کردند، اربعین حسینی، مدنیت جدیدی را بر اساس تعاون، نوع‌دوستی، صلح، معرفت و ایثار در برابر چشمان جهانی ترسیم نمود و به رخ کشید.

فلسفه قیام حضرت در بیان رسا و نورانی ایشان تصریح شده که همانا احیای سیره رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و دفاع از دین و مبارزه با بدعت‌های دینی بوده است؛ آن انوار قدسی و جرعه‌های چشمه همیشه جوشان نهضت عاشورا بار دیگر به رسالت تاریخی خود

عمل کردند و دین رحمت، محبت، صلاح، سداد و هدایت را به جهانیان معرفی کرد. کمیته فرهنگی و آموزشی ستاد مرکزی اربعین حسینی علیه السلام جهت پاسداشت، ترویج و تبیین این آیین پرشکوه و حرکت آفرین، تبیین عقبه‌های فکری و تاریخی آن را از مسئولیت‌های خطیر خود دانسته، اقدام به تولید و تدوین محتواهایی در قالب‌های مختلف در این راستا نموده است. از جمله این محتواها، متن حاضر است که برادر ارجمند جناب دکتر یعقوب توکلی، تدوین و با اصلاحاتی در قالب این کتاب‌چه تنظیم و منتشر شده است.

بدان امید که بتواند در جهت انجام رسالت خود، گامی هرچند کوتاه برداشته باشیم. نظرات و پیشنهادهای اصلاحی و نقد اهل نظر و قلم موجب امتنان خواهد بود.

کمیته فرهنگی و آموزشی
ستاد مرکزی اربعین حسینی
۱۳۹۵ / ۱۴۳۸

فهرست مطالب

- ۹.....اربیین در فرهنگ اسلامی
- ۱۳.....اربیین در سنت عاشورایی
- ۱۸.....جابر بن عبدالله و اربیین حسینی
- ۲۳.....زیارت اربیین در فرهنگ اهل بیت
- ۲۸.....زیارت اربیین در گذر تاریخ
- ۳۱.....سنت پیاده روی اربیین
- ۳۶.....ممنوعیت برگزاری اربیین در حکومت بعث
- ۴۰.....سقوط حکومت بعث
- ۴۴.....عظمت بازیافته

اربعین
در فرهنگ اسلام

اربعین یا چهل، به صورت‌های مختلف در فرهنگ اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. این واژه در سنت انبیای عظام، ابتدا به صورت نشانه کمال شناخته شده است؛ چه این که اکثر انبیا در سن چهل سالگی به نبوت مبعوث شدند.

در دین یهود، واژه اربعین به چله‌نشینی حضرت موسی علیه السلام در کوه طور اطلاق شد. حضرتش با وعده سی شب به کوه طور رفت و خداوند آن را با ده شب دیگر تکمیل و تتمیم کرد و چهل شب شد. این واژه در قرآن کریم، روایت وعده الهی به حضرت موسی علیه السلام و اربعین وی را یادآوری می‌فرماید.

«وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَاتَّمَمْنَاهَا بِعَشْرِ
فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»

علاوه بر این، عدد چهل در موارد فراوان دیگر، نظیر روایت اخلاص در چهل روز «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ» آمده است.

در روایت دیگری آمده است:

اگر کسی چهل حدیث از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام را حفظ نماید، در روز قیامت فقیه مبعوث خواهد شد.

بر همین اساس، بسیاری از فقها کتاب‌هایی با عنوان «اربعین حدیث» نوشته و منتشر کرده‌اند تا شاید مشمول رحمت الهی شده و در قیامت فقیه مبعوث شوند.

اما اربعین در ایام پس از مرگ نیز از مواردی است که در بین مسلمانان به آن توجه می‌شد که یکی از موارد رجوع روح به سوی بدن پس از مفارقت آن پس از مرگ است. از این رو برای اموات پس از مرگ مراسم

اربعین برگزار می‌نمایند یا ایشار خیرات و مبرات می‌تعمیلینتند.

اینکه سنت اسلامی احترام و اعطای صدقات یا پاس‌داشت در روزهای اربعین یا چهارم متوفی از کجا آغاز شده، جای بحث و تحقیق دارد، ولی قطعاً یکی از اصلی‌ترین نقاط مورد توجه در ایجاد این سنت اسلامی وقوع زیارت در اربعین سیدالشهدا علیه السلام در کربلاست و حضرت امام صادق علیه السلام، آن را به عنوان نشانه بسیار مهم انسان مؤمن برشمرده و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام نیز آن را اعلام داشته است.

اربعین
در سنت عاشورایہ

ام المؤمنین ام سلمه یکی از زنانی است که محرم اسرار معنوی اهل بیت علیهم السلام بوده و روایات اخلاقی و عرفانی و پیشگویی‌های حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را درباره عاشورا و ماجرای شهادت حضرت سیدالشهدا علیه السلام بیان کرده است.

ماجرای بیان این اخبار توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به ام المومنین ام سلمه در میان صحابه خاص و معتقدان به ولایت امام علی بن ابیطالب علیه السلام در آن زمان شناخته شده بود. تا این که در عصر روز عاشورای سال ۶۱ هجری قمری، ام المومنین ام سلمه در پی مشاهده واقعه‌ای متوجه شهادت امام حسین علیه السلام بر اساس

اخبار غیبی پیامبر ﷺ شد. صدای شیون و ناله او برخاست و عده‌ای به گرد خانه‌اش جمع شدند و از اخبار غیبی پیامبر ﷺ که امام حسین بن علی علیه السلام در کربلا به شهادت می‌رسد پرده برداشت.

جابر بن عبدالله انصاری یکی از اصحاب برجسته پیامبر ﷺ، شخصیتی موجه، معتبر و از کسانی بود که به اهل بیت علیهم السلام علاقمند بود، امام تحت تأثیر فشار خاندان اموی (معاویه و یزید) که در آن تاریخ بیست سالی بود که بر سرنوشت مسلمانان حاکم بودند، قرار نگرفت و از راویان احادیث فضیلت و منزلت امام علی بن ابیطالب علیه السلام بود.

وی که هنگام شهادت امام حسین علیه السلام سنی از او گذشته بود و از بزرگان صحابه به شمار می‌رفت که در پنجاه سال بعد از پیامبر ﷺ در قید حیات بوده‌اند.

سن او را قریب نود سال دانسته‌اند و چشمان او را نابینا یا کم‌سو گزارش کردند.

جابر چون روایات فراوانی از پیامبر ﷺ به خاطر داشت، مرجع سؤالات فراوانی بود و شاگردانی در نقل روایت و حدیث داشت. در زمان امام علی بن ابیطالب علیه السلام روزی پدر و مادری، فرزند تازه به دنیا آمده را روی دست گرفتند و به سرعت سمت امام علی علیه السلام آمدند و از امام خواستند برای فرزندشان نامی بگذارند.

حضرت فرمود: این عطیه و هدیه الهی است.

بدین ترتیب عطیه نام گرفت. عطیه کوفی از بزرگان تابعین، زبردست در علم تفسیر قرآن و از کسانی است که در محضر جابر بن عبدالله انصاری به تلمذ می‌پردازد و خود، جوان‌مردی است شناخته شده و مورد اعتماد و احترام مردم.

در عصر عاشورای سال ۶۱ هجری، آن‌ها که خبر خروج ناگهانی حسین بن علی علیه السلام از مدینه به سمت مکه و سپس حرکت او از مکه به سمت کوفه را شنیده بودند، ناگهان

از اخبار غیبی پیامبر ﷺ به امسلمه، خبر شهادت امام حسین علیه السلام را در کربلا شنیدند و گرد خانه امسلمه جمع شدند. در این میان، جابر به تب و تاب افتاد که به زیارت مشهد و مقتل سید شباب اهل بهشت برود.

جابر بن عبد الله و
اربعین حسینے

زمان حرکت جابر دقیقاً مشخص نیست، اما آن‌چه مشهور است، جابر با وجود نایبانیی به همراه عطیه کوفی مسیر طولانی ۱۲۰۰ کیلومتری مدینه تا کربلا را طی کرد و پس از رسیدن به کربلا در فرات غسل کرد و در برابر قبر امام حسین علیه السلام به زیارت ایستاد و در رثای او اشک ریخت، ناله کرد و یاد امام را گرامی داشت. هنگامی که امام را مخاطب قرار داد و از او صدایی نشنید، به خود گفت: «چگونه تو را جواب دهد که در حالی که بین سر و بدن نازنین او صدها فرسخ فاصله انداخته‌اند؟»

برخلاف مشهور، جابر بن عبدالله انصاری و عطیه کوفی، اولین مسافران زیارت حرم

حسینی نبودند، پیش از او، حسن مثنی برادرزاده ارشد امام حسین علیه السلام و فاطمه بنت الحسین علیه السلام زائران مرقد سیدالشهدا علیه السلام بودند. فاطمه بنت الحسین علیه السلام در جریان حرکت کاروان حسینی به سمت کوفه، توسط پدرش به عقد حسن مثنی درآمد.

حسن مثنی نیز مانند دیگر جوانان بنی هاشم، در جنگ شرکت داشت و ضربتی هولناک خورد و تصور می‌رفت که به شهادت رسیده باشد. ولی زمانی که اشقیای دشت کربلا به قصد جنایتی افزون، برای سر بریدن فرزندان علی علیه السلام و فاطمه علیه السلام مشغول شدند، دیدند که حسن مثنی زنده است. از آنجا که اسماء خارجه (از فرماندهان سپاه دشمن) در صحنه حاضر بود، به دلیل نسب فامیلی که از ناحیه مادر حسن مثنی با قبیله وی داشت، با بریدن سر حسن مخالفت کرد. کار به درگیری کشید و نهایتاً با داوری عمر بن سعد، به نفع اسماء خارجه که چون جنگ تمام شده و اسماء نیز خدمات زیادی برای ما کرده است، آن مجروح

را به او بخشیدند. اسماء خارجه، حسن مثنی را بر شتر سوار کرد، به کوفه آورد و به مداوای وی پرداخت. همچنین توانست اعمال نفوذ دیگری انجام دهد و فاطمه بنت الحسین علیها السلام را از جمع اسرا خارج نماید و به بهانه پرستاری از حسن از ادامه اسارت نجات دهد تا به درمان حسن کمک نماید.

حسن مثنی از معدود فرزندان بازمانده امام حسن علیه السلام و به شدت مورد علاقه امام حسین علیه السلام بود که به همراه فاطمه بنت الحسین، جزو اولین کسانی بودند که پس از مداوا به کربلا آمدند و به زیارت قبر امام علیه السلام پرداختند.

بی شک در این میان، علاوه بر اهالی قبیله بنی اسد، قبیله حبیب بن مظاهر نیز زودتر از جابر و حسن مثنی به زیارت قبر آمدند.

قبیله حبیب، توسط وی برای کمک به امام علیه السلام دعوت شده بودند، ولی به دلیل حمله جداگانه دشمن به آنان، در راه ماندند، به کربلا نرسیدند و شهادتی هم تقدیم کردند. در هر صورت، ثبت روایی و تاریخی زیارت

جابر بن عبدالله انصاری و اهمیت سفر او و نام‌آوری اش باعث شده که اولین زیارت که در اربعین شهادت امام حسین علیه السلام واقع شد، به نام جابر در تاریخ ثبت شود.

در این میان، مناقشه پر دامنه دیگری جریان دارد که آیا اهل بیت علیهم السلام از شام برگشته‌اند، در اربعین اول و همزمان با جابر بر سر قبر سیدالشهدا علیه السلام به کربلا رسیده‌اند؟ یا آن که در اربعین اول، این بازگشت واقع نشده و در اربعین سال بعد این اتفاق افتاده است؟ هر یک از نقل‌های تاریخی را اسناد، شواهد، قرائن و مدارکی دارد که این متن، در صدد اثبات زمان زیارت و حضور هر یک از زائران اباعبدالله نیست؛ اما حقیقتی که وجود دارد، هم‌نفسی و هم‌ذات‌پنداری در زمان زیارت با بازگشت اهل بیت علیهم السلام به کربلا است، مهم‌تر از آن، دیدن حوادث کربلا از منظر حضرت زینب کبری عقیده بنی‌هاشم علیها السلام بزرگ‌اسطوره صبر و استقامت و امام سجاد علیه السلام و اسراست.

زیارت اربعین در
فرهنگ اهل بیت

کربلا آخرین نقطه مفروض برخورد با یک حاکمیت جائر است. کربلا صحنه بیشترین ظلم قابل تصور در عقل شیطانی، در برخورد با یک جریان اعتراضی علیه حاکمیت جائر است. کربلا همیشه نقطه اجتماع گروه‌ها و مجموعه‌های سیاسی معترض و انقلابی و هم‌قسم شدن آنها بوده است، از قیام توایین تا قیام مختار و زید بن علی و ده‌ها قیام دیگر که راه خود را راه امام حسین علیه السلام اعلام کردند.

بر همین اساس، اجتماع بر سر قبر سیدالشهدا علیه السلام و زیارت آن امام علیه السلام ممنوع و با آن برخورد می‌شد.

عبدالملک مروان، حجاج بن یوسف ثقفی اموی، منصور دوانقی، متوکل عباسی از جمله حاکمانی بوده‌اند که با مسئله عزاداری سیدالشهدا علیه السلام و زیارت مرقد ایشان، به ستیز برخاستند و افراد بسیاری را نیز در این راه به شهادت رساندند.

سخت‌گیری حاکمان علیه عزادارای برای حضرت حسین علیه السلام تبدیل به نقطه تقابل علیه تشیع شده بود و وجدان عمومی شیعی به ایستادن در برابر این اراده خطرناک ضد عاشورایی شکل گرفت، در این میانه، زیارت اربعین حرکت عمومی شیعیان برای اجتماع بر سر قبر آن حضرت معنایی جداگانه پیدا کرد و تبدیل به نشانه ویژه جامعه شیعیان شد.

از سویی دیگر، امامان شیعه با هوشمندی و رهبری داهیان هرگز نگذاشتند این نور پرفروغ به خاموشی و سردی بگراید. برای پاس‌داشت و زنده نگه‌داشتن آن از فرصت‌های مختلف، جهت تبیین و توجه

دل‌ها و اندیشه‌ها به این کانون جوشان و بالنده استفاده کردند؛ از آن جمله به انشا و آموزش زیارت که در فرهنگ شیعه به منزله تجدید عهد و پیمان با مزور است مبادرت ورزیدند.

با همین رویکرد و در همین راستا امام صادق علیه السلام به عنوان احیاگر اسلام ناب و هویت‌بخش فرهنگ و هویت شیعی، در راستای احیا و بزرگ‌داشت اربعین حسینی، تراث جاویدی که از سوی امام سجاد علیه السلام و زینب کبری علیها السلام و اصحاب بزرگواری چون جابر با هوشمندی بنا گذاشته شد، با انشا و ترویج زیارت اربعین، در نیمه اول قرن دوم، این کانون فیاض اسلامی و حماسه جاوید الهی را برای همیشه روشن نگهداشت و در استمرار آن در اواسط قرن سوم هجری، حدود دو‌یست سال بعد از شهادت امام حسین علیه السلام تلاش نمود.

زیارت اربعین جزو خصوصیات ویژه شیعیان اعلام شده و امام حسن عسگری علیه السلام زیارت اربعین را از خصوصیات و ویژگی‌های مؤمن (شیعه) اعلام می‌کند.

این جهاد فرهنگی از سوی امامان شیعه که از نیمه اول قرن دوم هجری توسط امام جعفر صادق علیه السلام احیا شده بود، عامل اصلی در ایجاد این جریان و فرهنگ‌سازی برای استمرار نهضت عاشورا گردید. از این رو زیارت اربعین جزو سنت‌های آیینی شیعیان شد.

زیارت اربعین
در گذر تاریخ

در عصر عباسیان که با سیطره اصحاب جبر به همراه حاکمیت اقوامی که چندان با گذشته اسلامی آشنا نبودند، سخت‌گیری بر اعمال شیعیان به صورت سازمان‌یافته و حکومتی ادامه یافت تا اینکه آل بویه به سال ۳۵۵ بر بغداد مسلط شدند.

احمد معزالدوله دیلمی دستور داد تا ابتدا مراسم روز غدیر را به جشن بنشینند و سپس در محرم آن سال فرمان داد تا اهالی بغداد از اول محرم شهر را تعطیل کنند و ظرف‌های بزرگ غذا فراهم سازند، لباس سیاه بپوشند و در سوگ سید شهیدان عالم حضرت ابا عبدالله علیه السلام به عزاداری بپردازند.

عصر آل بویه عصر تنفس برای شیعیان در احیای عزاداری برای امام حسین (علیه السلام) و استمرار جریان آیینی عاشورا بود. با حاکمیت سلجوقیان، دوباره سیاست سرکوب ضدشیعی حاکم شد و تاروی کار آمدن مغولان امتداد پیدا کرد. در این دوره تصویری از برگزاری مراسم اربعین در دست نیست، ولی اساساً این جریان برچیده نشد و همچنان به عنوان یک آیین صحیح شیعی حفظ شد.

در دوره عثمانی، اگرچه شیعیان در آسایش نبودند، اما مخالفت شدیدی با مسئله عزاداری‌ها نبود، چه اینکه دولت ایران هم در شرایط مختلف به نفع شیعیان ورود می‌کرد و در مجموع هجده قرارداد ارضی و مرزی که بین دولت‌های ایران و عثمانی منعقد شد، یکی از موضوعاتی که در همه قراردادها مورد اشاره بوده، مسئله آزادی و آسایش عزاداران و زائران عتبات عالیات بوده است.

سنت

پیاده روی اربعین

اگرچه زیارت قبر امام حسین علیه السلام در روز اربعین توسط جابر بن عبدالله انصاری مرسوم شد، اما بنیانگذار پیاده‌روی دسته‌جمعی در اربعین حسینی، مرحوم شیخ انصاری متوفی سال ۱۲۸۱ هـ.ق بود که چنین حرکتی را به عنوان رسم و نمادی برای شیعیان معرفی کرد.

این رسم بعد از مدتی به فراموشی سپرده شد، ولی مجدداً توسط محدث نوری احیا گردید و به عنوان رسم و سنتی نیکو در میان شیعیان رواج یافت این عالم بزرگوار اولین بار در عید قربان به پیاده‌روی از نجف تا کربلا اقدام کرد که سه روز در راه بود و حدود سی نفر از دوستان و اطرافیانش وی

را همراهی می‌کردند. از آن زمان، محدث نوری تصمیم گرفت هر سال این کار را تکرار کند. ایشان آخرین بار در سال ۱۳۱۹ هجری، با پای پیاده به حرم اباعبدالله حسین علیه السلام مشرف شد.

این اقدام، زمینه‌ساز پیاده‌روی بسیاری از عاشقان اهل بیت علیهم السلام گردید و در راستای انجام این مراسم معنوی، برخی از علما و مراجع تقلید نیز با پای پیاده به کربلا رفتند. از جمله این افراد میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، یکی از مراجع عالیقدر جهان تشیع بود که چندین بار با پای پیاده از عتبه علوی رهسپار عتبه حسینی شد.

ایشان درباره مراقبه و بزرگداشت روز اربعین حسینی می‌گوید: بر مراقبه‌کننده لازم است که بیستم صفر (روز اربعین) را برای خود، روز حزن و ماتم قرار داده، بکوشد که امام شهید علیه السلام را در مزار حضرتش زیارت کند؛ هر چند تنها یک بار در تمام عمرش باشد. با ظهور جریان وهابیت در نجد و حجاز،

مزاحمت وهابی‌ها با حملات مختلف علیه شیعیان و حمله به کربلا در سال ۱۲۵۰ هـ ق اتفاق افتاد و جمعی از زائران در نجف و کربلا به شهادت رسیدند. یک سال بعد، چون با جمع طلاب به رهبری شیخ جعفر نجفی کاشف‌العطاء و مقاومت در برابر آدم‌کشان وهابی مواجه شدند، با سرکوب آنها در نجف، به جمعی از زائران ایرانی حمله کردند و ۸۲ نفر از آنها را به شهادت رساندند.

سقوط دولت عثمانی، منتهی به ظهور دولت‌های جدیدی در خاورمیانه شد. دولت‌هایی که به لحاظ سلوک مذهبی دچار آشفتگی‌های فکری مختلف بودند. طیفی آنگلو فیل و از جنگ جهانی دوم ناسیونالیست‌های افراطی معارض اسلام و اسلام‌گرایی به قدرت رسیدند، لذا در عراق، ملک فیصل و نوری سعید پاشا (آنگلو فیل‌های حاکم بر عراق) در ظاهر، از طرف حوزه‌های دینی مخالف نداشتند. پس از کودتای عبدالکریم قاسم، وی هم

فرصت زیادی برای ایجاد محدودیت‌های دینی نیافت. او در مخالفت با امام علی (علیه السلام) در نجف سخنرانی کرد و بعد از آن سخنرانی، در جریان یک پرواز هوایی سقوط کرد و در آتش هواپیما سوخت. به همین خاطر مردم نجف از خوشحالی کف می‌زدند که «صعد لحم و نزل فحم؛ گوشتی پرواز کرد و ذغالی به زمین افتاد.»

ممنوعیت
برگزاری اربعین
در حکومت بعث

با کودتای بعثی‌ها در عراق و ضدیت آنها با اسلام و اعلام فتوای آیت الله العظمی حکیم مبنی بر خروج بعثی‌ها از اسلام، سخت‌گیری‌های حکومت بعث بر شیعیان تشدید شد.

سیاست سرکوب و آدم‌کشی حکومت بعثی با گرایش‌های تند ناسیونالیسم عربی به همراه سیاست تجاوز سرزمینی و گسترش ارضی، عراق را به سمت یک فضای شدیداً امنیتی سوق داد.

صدام حسین، به بهانه‌های مختلف کسانی را که تصور می‌کرد با او هماهنگ نیستند یا

مخالف هستند، سر به نیست می‌نمود و از هر رویه‌ای برای سرکوب استفاده می‌کرد. وجود جمع زیادی ایرانی در عراق نیز به وخامت وضعیت امنیتی شیعیان بیشتر دامن می‌زد. دولت عراق حسب عرف و سنت بر جای مانده سلاطین عثمانی در مناطق مرزی ایران که سیاست مداوم تجاوز ارضی را در پیش داشتند، همان سیاست را پی گرفتند؛ لذا ایرانی‌ها و به تبع آن شیعیان در این میانه، گرفتار شرایط سخت‌تری شدند. آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، این شرایط را سخت‌تر کرد و ایرانی‌های مقیم عراق اخراج شدند. الگوهای مختلف عزاداری جامعه شیعیان نیز هدف دولت بعثی قرار گرفت، لذا مراسم اربعین که در این دوره به صورت کم‌رمق و در حاشیه‌ها برگزار می‌شد و تجمع شیعیان در کربلا در هر اربعین اتفاق می‌افتاد، این‌بار توسط صدام حسین به شدت مورد منع و مخالفت قرار گرفت و ارتش حزب بعث و سازمان

اطلاعاتی آن، شیعیان را در این مسیر شناسایی و سرکوب می‌کردند.

تقریباً طی سی سال حکومت صدام؛ مراسم راهپیمایی اربعین به طور رسمی در عراق برگزار نشد و اگر شیعیانی اقدام کردند، از راه‌های مخفی و خارج از دید مأموران و از طریق روستاها و نخلستان‌ها به سمت کربلا حرکت می‌کردند، بدون آن که تظاهراتی در این جهت داشته باشند.

قتل عام‌های شیعیان توسط صدام، مخاطره‌آمیز بودن این اعمال را بیش از پیش کرد و انجام اعمال اربعین را در ظهور حداقلی و خشونت حداکثری تحمیل کرد و تقریباً برگزاری هرگونه مراسم اربعین تعطیل شد.

سقوط

حکومت بیت

جنایات صدام در منطقه خاورمیانه به اندازه‌ای شد که امریکا و غرب هم نتوانستند حضور او را در منطقه تحمل کنند. به همین دلیل، صدام حسین را در جنگ دوم خلیج فارس، سرنگون و زندانی کرد. او نهایتاً توسط دادگاه عراقی از میان هزاران هزار جنایات وی و ارتش و حزب بعث، تنها به خاطر جنایت کشتار مردم روستای دجیله عراق به اعدام محکوم شد. با اعدام صدام و آرام‌تر شدن اوضاع عراق، جریان‌های مختلف فرصت ظهور و بروز مجدد یافتند. هر چند عراق، هم‌زمان به مشکل حضور خارجی‌ها و خطر حضور القاعده، القاعده فی بلاد الرافدین،

بعثی‌های تروریست و ده‌ها بحران داخلی و خارجی مبتلا شد.

با این وجود، حرکت عمومی شیعیان عراق، ایران، لبنان، قطیف و احساء (در عربستان)، پاکستان، افغانستان، اروپا، امریکا و... برای زیارت حضرت سیدالشهدا علیه السلام موج جدیدی را در جهان اسلام به دنبال آورد.

از سوی دیگر، ظهور مسلحانه پدیده‌های وهابی که همانند زمان ظهور وهابیت، به مراکز شیعی حمله‌ور و حرم امامین عسگرین علیهم السلام را در سامرا منفجر کردند و عتبات عالیات را مکرر مورد هجوم قرار دادند.

این بار شیعیان بیش از پیش، یکدیگر را یافتند و حول وجود حضرت سیدالشهدا علیه السلام و عاشورا متحد شدند.

اکنون چند سالی است که با اعدام صدام حسین، زیارت اربعین آشکار شده است. زیارتی که آرام آرام هویت جدید شیعه را در عراق و خاورمیانه و سپس جهان رقم می‌زند. هویتی که روح شیعه در آن تجلی پیدا می‌کند. این هویت در حال شکل‌گیری،

بدون دخالت دولت‌ها و دست پنهان و پیدای آن‌ها، بدون حضور شرکت‌های فراملیتی اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و به‌دور از هرگونه منفعت‌گرایی سیاسی و اقتصادی است. از این‌رو، حرکت هویتی بسیار مهم و تاریخی است که قطعاً تاریخ، نمونه آن را ندیده است و هیچ بدیل و عدیلی هم ندارد. این اتفاق بسیار بزرگ که عظیم‌ترین اجتماع بشری در طول تاریخ بوده و هست، زیرا چنین اجتماعی در طول تاریخ بشریت و در هیچ جای دنیا سابقه نداشته و ندارد.

این اجتماع عظیم در حال شکل دادن به هویتی جدید و متفاوت است که در میان سخت‌ترین شرایط سیاسی و امنیتی، بزرگ‌ترین و فشرده‌ترین تجمع انسانی را گرد هم می‌آورد؛ در حالی که بی‌رحم‌ترین و بی‌عقل‌ترین دشمن مسلح، آماده عملیات انتحاری در تمام اطراف آن حضور دارند و ده‌ها عملیات انتحاری در هر دوره از اجرای مراسم اربعین کشف و خنثی شده است.

عظمت بازیافته

هیاهوی عظیمی در گرفته است، غوغایی در جان شیعیان به راه افتاده، باز نبض زمان با عاشورای سال ۶۱ هجری می‌زند.

زمان به لحظاتی بازگشته است که در آن بیش از داغ شهادت امام حسین (علیه السلام)، غم فراق زینب (علیها السلام) ضربان شیعه را می‌نوازد.

از قضا، سراسیمگی زینب و ۶۲ اسیر زن و کودک، همه شیعه را در این روزها سراسیمه کرده است. این دل‌آشوبی در قلوب شیعیان، همه را از جا می‌کند. از این میانه، عده‌ای از پس اراده‌ای سخت به راه می‌افتند، به‌راه افتادنی که برای هم‌نفسی و همراهی با زینب است.

عاشورا اگر چه تداوم راه پیامبر اسلام ﷺ را با خون امام حسین (علیه السلام) قطعیت بخشید، اما زینب (علیها السلام) با تحمل رنج و زحمت فوق طاقت بشری، حقیقت قیام امامش را بر همگان آشکار کرد.

اگر حرکت امام حسین (علیه السلام) از مدینه به مکه و سپس از مکه به کربلا را قیاس یحیی (علیه السلام) گونه (علیه السلام) و با حداکثر فداکاری که در عقل بشری نخواهد گنجید، بدانیم، قیام زینب (علیها السلام) از عصر عاشورا با ایجاد حرکتی اعتراضی به جنایت عظیم و بزرگ بشری در سراسر راه کربلا تا کوفه و از کوفه تا شام و از شام تا مدینه و از مدینه تا شام تداوم پیدا کرد.

و این گونه عاشورا و قیام امام حسین (علیه السلام) در کربلا نماند و در کربلا به فراموشی سپرده نشد و دست تطاول تحریف اموی و عباسی نتوانست آن را به فراموشی سپرد و آنچه مورخان اموی گرای دوره‌های بعد تلاش کردند تا عاشورا را یک مخاصمه قومی و حکومتی و نکاحی و عشقی بنامند،

از احمد بن حنبل و عبدالله بن محمد
عکبرایی تا ابن قتیبه در السياسة و الامامة،
گرفته تا غزالی در احیاء العلوم و ابن تیمیه
در منهاج السنة و محمد بن عبدالوهاب
و آلوسی و دیگر نویسندگان و گویندگان
ریز و درشت، از در دشمنی در آمده و علم
مخالفت با عاشورا برداشتند و کتابها
نوشتند و عوام، جشنها گرفتند و دولتها،
جنایتها کردند تا یاد امام حسین علیه السلام و
زینب علیها السلام به فراموشی سپرده شود.

در عصر جدیدتر هم، ترجمان ادبیات وهابی
در متون روشن فکران راه پیدا کرد و محور
اصلی تحلیل روشن فکران در نقد اسلام
و امام حسین علیه السلام، همان نقدها و ایرادهای
وهابیت بوده و این واقعیتی است که کمتر
به آن پرداخته شده و سخن کمتر گفته
شده است.

اما هرچه زمین به دور خورشید گشت و
دور خودش، یادآور زخمهای پای زینب علیها السلام
عمیقتر و دقیقتر شد، هر چه دولتها

جنگیدند تا جنگ حق و باطل عاشورا را فیصله‌یافته اعلام کنند، اما این مقابله با عاشورا هر روز دشمنانش را مغلوب‌تر کرده است.

اربعین اگرچه در تاریخ تشیع در عراق و ایران ریشه‌ای عمیق داشته و دارد، پس از سال‌ها سرکوب شدید در عصر حکومت بعث که اجازه برگزاری اربعین را نمی‌داد و عملیات سرکوبی به بی‌رحمانه‌ترین شکل انجام می‌گرفت، اکنون و پس از سقوط آن حکومت سفاک که بیش‌ترین صدمه را به پیروان امام حسین علیه السلام در ایران و عراق زد، دوباره عزاداری اربعین، با حرکت مردم از اطراف و اکناف به امید همراهی و هم‌دلی با حضرت زینب علیها السلام در عزای سیدالشهدا به راه می‌افتند.